

مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان

مجید موحد^۱ و صغری همت^{۲*}

چکیده

بی‌تردید یکی از نیازهای حیاتی و اساسی انسان امنیت است، امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است که کشورها اولویت اول خود را به برقراری آن در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت مفهومی عینی و بیرونی و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی می‌باشد. به عقیده بسیاری از کارشناسان وجود احساس امنیت در یک جامعه مهم‌تر از وجود امنیت (عینی) است. هدف از این پژوهش، مطالعه ارتباط عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر شیراز می‌باشد. پژوهش با رویکرد کمی و روش پیمایشی به صورت پرسش‌نامه انجام گرفته است. جامعه آماری آن شامل تمامی زنان شهر شیراز است. حجم نمونه بر اساس جدول لین ۶۰۰ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بوده است. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل عامل تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای: نگرش به حجاب، عزت نفس، وسایل ارتباط جمعی نوین، دینداری اعتقادی، پیامدی و مناسکی، سرمایه فرهنگی - آموزشی، فرهنگی - گردشگری و فرهنگی - اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که هفت متغیر: نگرش به حجاب، دینداری پیامدی، دینداری مناسکی، سرمایه فرهنگی - گردشگری، عزت نفس، دینداری اعتقادی و وسایل ارتباط جمعی نوین توانسته‌اند در مجموع ۱۷ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان شهر شیراز را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، دینداری، رسانه‌های جمعی، زنان، سرمایه فرهنگی.

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز. mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

۲- پژوهشگر معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری شیراز

*- نویسنده مسئول مقاله: hemmat.soghra@yahoo.com

پیشگفتار

امنیت از ریشه امن است که در مقابل بیم و هراس و ناامنی استفاده می‌شود و یکی از نیازهای فطری بشر است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. از این‌رو واژه امنیت از قدمتی به دیرینگی تاریخ بشر برخوردار است (Shadnia, 2003). نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در عرصه امنیت را می‌توان در مباحث فلاسفه یونان باستان همچون افلاطون و ارسطو جستجو کرد (Khoshfar, 2002, P:254).

امنیت به معنای اولیه آن یعنی صیانت از نفس و یکی از مسائلی است که دولت به خاطر آن بوجود آمده است. در این معنا ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار امنیت در اجتماع بوده است. امنیت در هر زمانی، معنای خاص داشته است. گاه تنها به معنای حفظ جان و صیانت نفس (در اندیشه هایز (Hobbes, 2005) و زمانی حفظ اموال و دارایی در اندیشه لاک (Locke, 1991) به آن افزوده شده است، اما امروزه معنای امنیت افزون بر مسایل جانی و مالی، به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت، سیاست، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها هم کشیده شده است (Nazari, 2010).

خداوند امنیت را نعمتی عطا شده از جانب خود می‌داند، چنان‌که در سوره بقره (Al-Bagara, 125) می‌فرماید «و خانه (کعبه) را برای مردم محل اجتماع و (جای) امنی قرار دادیم». در نهایت نیز وعده‌های خداوند به برخورداری مومنان صالح از امنیت فراگیر در عصر ظهور مهدی علیه السلام است: «خداوند به کسانی که از شما که ایمان آورده و عمل صالح پیشه ساخته، وعده داده که آن‌ها را در زمین نماینده خود گرداند، چنان‌که همانند آن‌ها را سابقاً خلیفه کرد و ثابت می‌دارد دین آن‌ها را که برای آنان برگزید و ترس آن‌ها را تبدیل به امن می‌کند». یکی از موفق‌ترین تعاریف امنیت به وسیله ویکلینسون (Wyklynsvn, 2007) ارائه شده است که بر حول نیاز به آنچه که موضوع‌های امنیتی جدید خوانده می‌شود، مانند: مهاجرت، جرایم فراملی و درگیری‌های داخلی کشوری و ... در تحلیل امنیت متمرکز شده است. اگرچه اصطلاح امنیت در اصل در رشته سیاسی متولد شده است، اما اکنون از نظر معنایی (محتوایی) با پژوهش‌های آکادمیک نیز گره خورده است (Wyklynsvn, 2007).

بشر با تجمع و تشکیل جامعه بستری نو برای تهدید امنیت خود فراهم آورد که از زندگی جمعی او ناشی می‌شد. او که برای فرار از ناامنی و دستیابی به احساس امنیت، جامعه را تشکیل داده بود به زودی دریافت که این بار امنیتش نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز تهدید می‌شود. از این‌رو، دغدغه همبستگی او

جهت دستیابی به احساس امنیت در مقوله‌ی جدیدی تحت عنوان احساس امنیت اجتماعی^۱ ظهور کرد (Nabavi, 2010).

وایوار (Waever, 2006) می‌گوید: «زنده ماندن و حیات ما تهدید شده است، بنابراین، ما این حق را داریم که با توسل به ابزارهای گوناگون در برابر این تهدیدهای خاص مقاومت کنیم. دریافت تهدید علیه حیات، سلامتی، رشد و پیشرفت، تندرستی، آسایش، آبرو و منزلت، دارایی و سلامت روان و دیگر تهدیدهایی که ممکن است تهدید علیه وجود و هستی نباشد، استفاده از ابزارهای خصمانه شدید علیه دیگر گروه‌ها را افزایش می‌دهد». امنیت دهی^۲ در حقیقت شناسایی همه تهدیدهای متوجه حیات ما و حفظ هویت مشترک جامعه است. ریشه‌ها و عوامل احتمالی خطر را با استراتژی خاص دفع می‌کند، و بدین وسیله امنیت را دوباره به جامعه باز می‌گرداند (Mikhail, 2011). وقتی از امنیت سخن گفته می‌شود قبل از هر چیز باید مشخص کرد که کدام بعد امنیت مد نظر است؛ چون امنیت هم به صورت احساس و هم به صورت واقعیت می‌تواند در نظر گرفته شود. امنیت به عنوان یک حقیقت بیرونی، امری محاسباتی بر مبنای ریاضی و حساب احتمالات است (Schneier, 2008). بیش‌تر صاحب‌نظران بر این باورند که امنیت مفهومی بیرونی و عینی^۳ و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی^۴ است. امنیت در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از این‌که چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت اشاره دارد (Moller, 2000).

امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان و یا اختلال در آن پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی بدنبال دارد (Torabi & Goudarzi, 2003). به مسئله جنسیت در امنیت نیز باید توجه اساسی شود، چرا که بحث از امنیت با در نظر داشتن ساختارهای متفاوت مردانگی و زنانگی پرمایه خواهد بود. تجارب زنان از خشونت و نیازهای امنیتی آنان به طرز معناداری از نیازهای امنیتی مردان متفاوت است. جنسیت به‌عنوان یک بعد معنادار امنیت ملاحظه می‌شود و درها را برای دیدگاهی باز از امنیت می‌گشاید و نشان می‌دهد که چگونه هویت، نیازهای امنیتی فردی و جمعی را شکل می‌دهد (Hoogensen, 2004 & Ikeda, 2009). بر این اساس یکی از گروه‌های اجتماعی که کم‌تر در متون علمی بدان‌ها پرداخته شده و از زبان حال و احساسات و تجربیاتشان سخن به میان آمده است، زنان هستند. زنان به دلیل موقعیت فرودستی

¹ - Societal security feeling

² - Securitize

³ - Objective & External

⁴ - Subjective & Internal

که نسبت به مردان در بیش‌تر جوامع بشری دارند و نیز به دلیل غلبه مردان بر گفتمان‌های علمی و نیز تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی که جنس مؤنث و مسائل پیرامونش را احاطه کرده کم‌تر توانسته‌اند از موقعیت ویژه خود سخن گویند. در بین تجربه‌های گوناگونی که ممکن است به دلیل داشتن بدنی زنانه برای زنان بوجود آید، تجربه احساس ناامنی و ترس از مورد تجاوز و تهاجم واقع شدن از جدی‌ترین آن‌هاست و با وجود اندیشیدن تدابیر امنیتی و حفاظتی برای شهروندان به یکی از دغدغه‌های مشترک زنان در شهرهای گوناگون جهان مبدل شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که شرح و بسط این تجربه در فرهنگ ایرانی، برای شناخت پدیده‌ای اجتماعی به نام احساس ناامنی زنان لازم باشد (Sarlakzaie, 2006). زیرا امروزه با گسترش جوامع، تورم و هزینه‌های بالای زندگی مشارکت زنان پا به پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... امری ضروری است. گروهی برای داشتن زندگی بهتر و راحت‌تر و گروهی برای تأمین نیازهای اولیه خود مجبور به کار در محیط بیرون از خانه هستند که همین مسئله اشتغال زنان، تبعات فراوانی را بدنبال داشته است. نتایج طرح نظرسنجی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که به وسیله مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین مسایل و مشکلات زنان کمبود امنیت است. که این مسئله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شود و حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجهه سازد (Fooladisepehr & Noroozi, 2009). هم‌چنین، بر اساس یافته‌های پژوهش‌های گوناگون احساس ناامنی زنان معمولاً در کلان شهرها که حلقه تعاملات اجتماعی گسترده‌تر است، نسبت به شهرهای کوچک‌تر که بافت‌های سنتی و هنجاری اجتماعی محدودیت کافی را برای مقابله با ناامنی ایجاد می‌کنند، محسوس‌تر است. در چنین شرایطی با توجه به این‌که شهر شیراز یکی از کلان شهرهای کشور می‌باشد می‌توان عنوان نمود که احساس امنیت زنان در این شهر به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شده و نیاز به بررسی دارد (Abazarie etal, 2008). زیرا در شهری مانند شیراز مفاهیم سنتی مورد بازبینی قرار گرفته است و خرده فرهنگ‌های گوناگون از طریق مهاجرت به این شهر وارد شده‌اند که باعث شده زنان تا حدودی مرد سالاری را مورد چالش قرار دهند و به دنبال ایجاد آزادی‌هایی برای خود باشند.

افزون بر این، زنان سرمایه اجتماعی وسیعی برای جوامع بشمار می‌روند که بدون آگاهی از مفهوم امنیت اجتماعی و شرایط تحقق آن نمی‌توان به پیشرفت و توسعه همه جانبه امید چندانی داشت. بنابراین، در صورتی که به امنیت اجتماعی زنان توجه نشود مسئله‌های ذهنی مربوط به ناامنی و ترس از خطرات بلقوه کانون خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد زیرا زنان مهم‌ترین انتقال دهنده‌های انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه هستند، لذا هر گونه خلاء عاطفی یا

فقدان احساس امنیت در بین آن‌ها می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد که از هم گسیختگی، عدم انسجام در خانواده و روابط آشفته درون و برون خانوادگی از جمله نتایج آن است.

با در نظر گرفتن موارد فوق این پژوهش در صدد است با اتکا بر تئوری جامعه مخاطره و امنیت وجودی گیدنز، میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با آن را در بین زنان ساکن مناطق نه‌گانه شهر شیراز از منظر جامعه‌شناختی، توصیف و تبیین نماید زیرا بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با احساس امنیت در افراد، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در سطح جوامع امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا، شناخت این عوامل از پیش شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح امنیت اجتماعی می‌باشد و هر چه حضور زنان در عرصه‌های گوناگون جدی‌تر و پر رنگ‌تر باشد امنیت بیش‌تر خواهد شد و هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و هم‌چنین، شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود (Ferrera, 1998). بنابراین، انجام پژوهش‌هایی از این قبیل به دلیل انعکاس دقیق واقعیت‌های ذهنی و روانی اعضای جامعه از لحاظ علمی و عملی توجیه‌پذیر است و ضرورت اجرای آن کاملاً احساس می‌شود.

پیشینه پژوهش

مختاری و همکاران (Mokhtari et al, 2012) با روش پیمایشی به بررسی "عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج" پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، افراد مجرد و متأهل، میان لرها و سایر اقوام... از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و رابطه مستقیم و معناداری بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان دینداری، نگرش به عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت اجتماعی دیده می‌شود. عنایت و همکاران (Enayat et al, 2011)، با روش پیمایشی و بر اساس تئوری گیدنز به "مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان ۲۹-۱۵ سال ساکن شهرهای شیراز و یاسوج" پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بیش‌تر تحت تأثیر اعتماد قرار دارد تا محل سکونت آنان. هم‌چنین، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و نهادی هر دو موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند، اما تأثیر اعتماد نهادی بر افزایش احساس امنیت سیاسی و قضایی چندین برابر تأثیر اعتماد تعمیم یافته است. در نهایت، این‌که میزان احساس امنیت عمومی و اقتصادی به همان اندازه اعتماد نهادی، تحت تأثیر اعتماد تعمیم یافته قرار دارد.

دلاور و جهانتاب (Delavar & Jahantab, 2011)، با روش پیمایشی، مطالعه‌ای در مورد "تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت" انجام داده است. تعداد نمونه این پژوهش، ۶۶۳ نفر تعیین شد. نتایج پژوهش نشان داد که فرضیه‌های پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، پنداشت‌ها) و سرمایه اجتماعی ساختاری (شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی) و ویژگی‌های فردی شهروندان بر احساس امنیت (جانی، اقتصادی، اجتماعی و نوامیس) تأیید گردید. از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ساختاری، مؤلفه‌ی ارتباطات اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است و بیش‌ترین تأثیر را در ساختن این متغیر داشته است. میرزایی و دیگران (Mirzaei et al, 2011)، با روش پیمایشی و اسنادی به "بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر ایلام" پرداخته‌اند. حجم نمونه، ۳۱۰ نفر انتخاب شد. بر اساس نتایج پژوهش، حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر به‌سزایی دارد. و آزمون همبستگی دو متغیره نیز رابطه بین نوع سازمان حمایتی و امنیت اجتماعی را تأیید می‌کند.

نیازی و فرشاد فر (Niyazi & Farshadfar, 2011)، با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به "بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان در شهر تهران" پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق جنوب شهر تهران در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

شون جی و جیالی (Shunji Cui & Jiali, 2011)، در مطالعه‌ای با عنوان "امنیت بخشی^۱ یا امنیت زدایی^۲، سرحد امنیت در چین: فراسوی بحث مثبت یا منفی" به پاسخ به این سوال می‌پردازند که آیا "امنیت" یا "امنیت بخشی" با ارزش منفی یا مثبت هماهنگی دارد؟ دانشگاه کپنهاگ "امنیت زدایی" (ارزش مثبت) را به "امنیت بخشی" (ارزش منفی) ترجیح می‌دهد. بوسیله بررسی فرآیند امنیت بخشی و امنیت زدایی در رویکرد چین نسبت به سرحد و مرز امنیت، دانشگاه کپنهاگ استدلال می‌کند که روی هم رفته، استراتژی امنیت زدایی اثرات قابل اجرا و مؤثری دارد. برای ساختن شرایطی که ایجاد حداکثر امنیت با دوام کند، این ضروری است که فراسوی مباحثه‌ی فعلی ملی - مرکزی امنیت برویم و توجه بیشتری به امنیت اجتماعی مردم و هویت و فرهنگ آن‌ها داشته باشیم.

¹-Securitization

²-Desecuritization

کراکوس و دیگران (Karakus et al, 2010)، مطالعه‌ای با عنوان "ترس از جرم در بین شهروندان ترکیه" با استفاده از روش پیمایشی انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تجربه ترس از قربانی شدن از سوی زنان تأثیر مهمی بر ترس آنان دارد. و ساکنان شهرها نیز میزان بیش‌تری از ترس را نسبت به روستاییان گزارش کرده‌اند.

مطالعه‌ای به وسیله پانزانس (Panzanis, 2009) با عنوان "نقش فقر بر میزان احساس امنیت" انجام گرفته است. داده‌ها از منبع پیمایش جرم بریتانیا گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مردمان فقیر بیش‌تر نگران قربانی شدن در برابر انواع جرم‌ها هستند و این امر نه تنها در مورد ناامنی‌های ناشی از جرم‌های گوناگون بلکه در مورد ناامنی‌های غیر جرایمی مثل بیماری، ورشکستگی، تصادفات جاده‌ای و از دست دادن شغل نیز صادق است. در مجموع ۳۴ درصد از افراد نمونه در هنگام قدم زدن احساس ناامنی می‌کنند که این رقم در زنان نسبت به مردان بالاتر است. هم‌چنین، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان سن می‌باشد که زنان معمولاً در سنین بالاتر احساس ناامنی بالاتری دارند.

آلبرز و رنکاتی (Albers & Rancati, 2008)، در مطالعه‌ای به "بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی بزرگ در دو شهر آمستردام هلند و میلان ایتالیا" پرداخته‌اند. آن‌ها امنیت را در سه بعد ایمنی، اطمینان و امنیت مطرح می‌کنند و استدلال می‌کنند که عوامل زیادی موجب احساس ناامنی می‌شود از جمله، دگرگونی شهری و ترس مربوط به دیگری، نقش رسانه‌ها در ایجاد و انتشار ترس، حساسیت سیاستمداران و... همان گونه که این عوامل تشدید می‌شوند، مسایل ایمنی و امنیت گفتمان‌های سیاست‌گذاری از سطح بین‌المللی تا محلی شتاب می‌گیرند، اما مسئولان در هر دو شهر میلان و آمستردام سیاست‌گذاری‌هایی دارند که هدفشان این است که رفاه عمومی ساکنان را از راه مقابله با هر سه بعد ناامنی بهبود بخشند، اما در میلان تأکید بیش‌تری بر مسائل ایمنی می‌شود.

اولسن و هودن (Olsen & Hovden, 2007) در مقاله‌ای با عنوان "ایمنی اجتماعی، مفاهیم مرزها و معضلات آن"، ایمنی اجتماعی را در رابطه با ایمنی‌های مرتبط با زمینه‌هایی از قبیل: امنیت ملی، سازگاری با توسعه محیط زیست، امنیت انسانی و مدیریت حادثه (تصادفات، بیماری‌های معمولی و اعمال جنایی) مرتبط دانسته است.

روی (Roy, 2008) در مقاله‌ای با عنوان "مهاجرت و اقتصاد بعد از یازده سپتامبر در آمریکا" به بررسی این مسئله پرداخته است که پس از حادثه یازده سپتامبر، روش‌های نگرش آمریکا به امنیت تغییر کرد و با وجود ادامه یافتن مهاجرت‌ها و اختصاص دادن سهم مهمی از اقتصاد آمریکا به خود تعادلی بین نیازهای امنیتی و نیازهای اقتصادی برقرار گردید.

مبانی نظری

امنیت و مباحث پیرامون امنیت در جامعه شناسی از قدمت چندانی برخوردار نیست و علل گوناگونی در این باره گفته شده است. دلایل بی‌توجهی به امنیت در جامعه‌شناسی هر چه باشد، واقعیت آن است که با کمبود قابل ملاحظه نظرات و اندیشه‌های جامعه‌شناسانه درباره امنیت مواجه هستیم. بر این اساس امنیت در جامعه‌شناسی از فقر چشمگیری رنج می‌برد. از سوی دیگر، جامعه‌شناسی امنیت نیز که به ساز و کارهای ایجاد و گسترش امنیت در زمینه اجتماعی و در بین نهادها و گروه‌ها می‌پردازد (Bayat, 2009) هنوز در مراحل ابتدایی است و گرچه قصد دارد روابط متقابل میان امنیت و جامعه را بررسی کند، به جهت نبود الگوهای نظری مستقل، هنوز نتوانسته است اعلام استقلال خویش را به اثبات برساند (Navidnia, 2009). گفتنی است که بیش‌تر جامعه‌شناسان به گونه مستقیم به بحث امنیت نپرداخته‌اند، اما در لابه‌لای نظریات آن‌ها می‌توان نظریات پیرامون امنیت را استنتاج کرد.

رابطه نظم و امنیت نخستین بار از دیدگاه جامعه‌شناسانه، به وسیله کنت مورد بررسی قرار گرفت. کنت بر این نکته تأکید داشت که جامعه بوجود نمی‌آید، مگر این‌که اعضایش باورهای واحدی داشته باشند. بدین‌سان جامعه نیز مانند هر پدیده‌ی طبیعی، تابع قوانین تغییر ناپذیری است. در صحنه زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود عقل افراد با توافق یک صدا، از افکاری که منجر به آیین مشترک می‌گردد، تبعیت کنند و با این هماهنگی بین ذهن‌ها، نظم اجتماعی استقرار می‌یابد. از دیدگاه او، امنیت فکری وجهی از امنیت اجتماعی است زیرا جامعه برای دستیابی به نظم اجتماعی پایدار، نیازمند تبادل افکار و باورها در شرایط آرام و بدون هراس است. مصونیت اندیشه‌ها و افکار از خطرات و تهدیداتی چون سانسور، شرایط را برای امتزاج و توافق اذهان فراهم نموده و بستر لازم را برای ایجاد نظم جدید بر مبنای اجماع جدید در روندی طبیعی و نظم اجتماعی که ضامن امنیت است، فراهم می‌کند (Navidnia, 2006). دورکیم (Durkheim, 1894) ریشه پدیده‌های اجتماعی را در محیط اجتماعی می‌جوید نه در نهاد انسان‌ها و معتقد است، قراردادهای زمانی می‌تواند وجود داشته باشند که پیش از آن، جامعه سازمان یافته‌ای، مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی وجود داشته باشد. از نظر دورکیم، عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی که علی‌رغم تغییرات در روابط ما و دیگرانی که سازنده آن است استمرار می‌یابد، نظم اخلاقی است. نظم اخلاقی شامل مجموعه‌ای از قواعد است، که بر روابط اجتماعی حکم فرماست و این نظم زمانی با اختلال مواجه می‌شود که جامعه به وضعیت "آنومی" دچار شود. آنومی یا آشفنگی اجتماعی می‌تواند نظم و امنیت جامعه را بر هم زده و احساس ناامنی و ناامیدی

را بر افراد تحمیل کند. به نظر وی در شرایط اجتماعی مستحکم، آرزوهای انسان از طریق هنجارها تنظیم و محدود می‌شود (Noroozi & Fooladisepehr, 2009).

دورکیم (Durkheim, 1894) نیز مانند کنت از نابسامانی‌های اجتماعی بیزار و هراسان بود و بر این باور بود که می‌توان نابسامانی‌های اجتماعی را شناسایی کرد و به رفع این نابسامانی‌ها اقدام کرد زیرا جامعه نیازمند انضباط و نظارت بر اعمال افراد و محدود کردن تمایلات و آرزوهای سیری‌ناپذیر آنان از طریق فشار اجتماعی است (Tanhaie, 1995, P: 133). این فشار اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد و سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی^۱ می‌داند. همبستگی اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین کند. بنابراین، از نظر دورکیم (Durkheim, 1894) مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی)، عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. بر این اساس دورکیم (Durkheim, 1894) بر این باور است که در جوامع سازمان یافته‌ای که مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی باشند نظم اجتماعی نیز حاکم خواهد بود به همین جهت در جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی هستند اخلاقیات مشترک و نظم اجتماعی وجود دارد، اما با پیچیده‌تر شدن جوامع وجدان جمعی کاهش یافته، نظام مشترک اخلاقی از بین می‌رود و در نتیجه هرج و مرج و نابسامانی حاکم می‌شود. دورکیم بسیاری از مشکلات زمان خود را ناشی از کاهش قدرت این نظام مشترک اخلاقی می‌داند (Kozer, 2004).

ماکس وبر نسبت به دنیای مدرن (دنیای عقلانی شده) نظر خوبی نداشت و باور داشت که دنیای مدرن به قفس آهنینی که نتیجه عقلانی شدن است برای افراد تبدیل شده است که راه گریزی از آن وجود ندارد. دنیای جدید شرایط زندگی افراد را روز به روز در ساختارهای خود محدود می‌کند تا تمایلات انسانی در درون جامعه شکل گیرد و افراد با سکونت در مواقف اجتماعی، خواهش‌های متداول متناسب را در ضمیر خود وارد سازند.

درباره پایگاه اجتماعی افراد در جامعه آنچه مورد نظر است دوری یا نزدیکی افراد مورد نظر نسبت به ارزش‌های حاکم در آن جامعه است. میزان تحصیلات، اصل و نسب و موقعیت شغلی گاه برای ارزیابی پایگاه اجتماعی افراد بکار می‌روند. پایگاه اجتماعی که تعیین کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است به وسیله پایه‌هایی چون آموزش، ثروت، درآمد، خانواده و ... تشکیل می‌شود. امروزه جوامع جدید با تعدد وظایف و نقش‌ها لزوم تعدد پایگاه‌ها را فراهم می‌کنند تا جایی که جامعه‌شناسان بحث تنوع و تعارض پایگاه‌ها را به میان می‌آورند (Sarookhani, 2001). با توجه به مطالب ارایه شده هر چه پایگاه افراد در جامعه افزایش یابد امکان دستیابی آن‌ها به

¹ -Social Solidarity

امکانات و خدمات گوناگون آموزشی، بهداشتی، رفاهی و ... نیز افزایش می‌یابد و بر همین اساس نیز افراد احساس تعلق و خشنودی نسبت به جامعه داشته و دلبستگی میان آن‌ها تقویت خواهد شد و اگر احساس تعلق افراد جامعه با احساس رضایت از زندگی در جامعه توأم نشود به تدریج همبستگی کاهش می‌یابد. بنابراین هر چه احساس فرد از زندگی رضایت‌مندانه‌تر باشد به همان میزان نیز احساس امنیت را تجربه خواهند کرد و قادر به تولید آن نیز خواهد بود.

بر اساس نظریه نیاز انسانی، احساس امنیت زمانی حاصل می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود. در غیر این صورت انسان با ناامنی روبرو می‌شود. بر اساس این نظریه نیازهای جسمی، فکری و روحی افراد و گروهها باید تأمین شود، در غیر این صورت، بقا و بهزیستی افراد و جوامع به خطر خواهد افتاد. در اینجا افراد و گروهها واحد تحلیل هستند و از راه آن چارچوبی فراهم می‌شود که نیازهای انسانی تأمین شود و در درون ارزش‌ها، هنجارها و منافع و قدرت متبلور شوند (Burrowes, 1996). این نظریه امنیت را در شرایط مطمئن می‌داند که ناظر بر زیست و بقای مستمر شرایط و وضعیت اکولوژیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی لازم برای کلیه افراد و گروههای هویتی می‌باشد.

برای فمینیست‌ها درگیر شدن با رشته و حوزه مطالعات امنیتی و سؤال از این‌که چه کسانی امنیت را مورد بحث قرار داده‌اند، مهم است. تمرکز بر امنیت مجموعه‌های غیر دولتی و فردی به اندازه تمرکز بر امنیت دولت‌ها، مورد علاقه فمینیست‌ها می‌باشد. چون امنیت به گونه سنتی در مردانگی و واژه ارتش ادراک شده است و زنان از آن محروم شده‌اند، تجارب و نقش زنان به ندرت در ادبیات پژوهش در حوزه امنیت مورد علاقه بوده است. این‌که زنان نسبت به مردان بیش‌تر صلح‌جو و کم‌تر پرخاشگر و علاقه‌مند به جنگ هستند، برای همه آشکار است. انتظار از زنان مبنی بر این‌که پرورش‌دهنده و دور از خشونت باشند (و بر همین اساس برای نقش سرباز مناسب نیستند)، در بسیاری از جوامع حفظ شده است، هر چند که این باورها از نظر زمانی یا جغرافیایی، هیچ‌گاه جهانی نبوده‌اند (Alison, 2004).

هدف فمینیسم لیبرال برقراری برابری بین زن و مرد و رفع تبعیض در تمام عرصه‌های اجتماعی است. این جنبش بیش‌تر به دنبال برقراری برابری در ساختارهای اقتصادی، شغلی و درآمدی است و باور دارند که تفاوت‌های جنسی نباید معیار قضاوت در عرصه عمومی باشد. مهم‌ترین گفتار لیبرال‌ها این است که زن و مرد انسان هستند و همه انسان‌ها با هم برابرند و حقوق اجتماعی و سیاسی یکسانی دارند (Ritzer, 2004)، اما فمینیسم رادیکال معتقد است علت اصلی مظلومیت زنان، نظام پدرسالارانه است؛ نظامی که قدرت، سلطه، سلسله مراتب و رقابت ویژگی‌های انسانی آن را تشکیل می‌دهند. یکی از وجوه متمایز راهبرد فمینیسم رادیکال برای تغییر اجتماعی این است که

آزادی زنان را تنها در گرو تأسیس سازمان‌های مستقل جداگانه برای آنان می‌داند، اگر زنان یک طبقه‌اند پس باید همچون یک طبقه برای نبرد با عوامل سرکوب خود سازمان یابند (Bostan, 2003).

چار چوب نظری

آنچه اساس یک مطالعه اجتماعی را تعیین می‌کند چارچوب نظری است بر پایه چارچوب نظری، پژوهشگر در واقع یک زاویه نگرش برای خود انتخاب می‌کند (Lahsaiezadeh, 2006).

با توجه به مجموعه‌ی نظریات و پژوهش‌های مرور شده، به نظر می‌رسد که نظریه گیدنز، می‌تواند رابطه سرمایه فرهنگی، دینداری، رسانه‌های جمعی و سایر متغیرهای مستقل پژوهش با احساس امنیت اجتماعی را به خوبی تبیین کند. از نظر وی در حالی که مدرنیته احتمال خطر را در برخی از حوزه‌ها و سبک‌های زندگی مانند: فناوری‌های بهداشتی، پیشرفت علم پزشکی و بیماری‌های عفونی واگیردار کاهش داده است، ولی با این حال، پارامترهای خطرآفرین نوین و کاملاً ناشناخته‌ای مانند: بیماری‌های مزمن و غیر واگیردار، بیماری‌های روانی گوناگون، سکتته، اضطراب و هم‌چنین کاهش احساس امنیت وجودی^۱ را نیز به همان حوزه‌ها وارد کرده است (Giddens, 2004).

گیدنز (Giddens, 1989) نامنی‌های دوران گذشته مثل نرخ‌های مرگ و میر کودکان و زنان در هنگام زایمان، امید به زندگی پایین افراد، بیماری‌های مزمن و ... را بیشتر ناشی از زندگی طبیعی می‌داند (Giddens, 1989)، اما در اواخر قرن نوزدهم به دنبال فرا گرفتن دانش و کاربرد دانش‌های نوین در زندگی که منجر به اختراعات و کشف بسیاری از مجهولات شد، امنیت وجودی افراد به خطر افتاد. وی در رابطه با مخاطره^۲ و رهایی از آن اصلاح امنیت وجودی را که یکی از صور احساس امنیت است بکار می‌برد. این اصلاح به اطمینانی بر می‌گردد که بیش‌تر اشخاص برای تداوم هویت خود و هویت‌های اجتماعی و مادی کنش اطراف خود به آن نیاز دارند. از این نظر امنیت پدیده‌ای عاطفی و روان‌شناختی است و زمینه ناخودآگاه دارد (Tucker, 1998).

احساس امنیت متأثر از این واقعیت می‌باشد که در جهان مدرن امروز، پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای در نتیجه فعالیت‌ها یا تصمیم‌های انسان‌ها پیش آمده است. وی در این راستا صور عمده سیمای مخاطره آمیز مدرنیته را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی آن‌هایی که توزیع عینی مخاطرات را تغییر می‌دهند که از آن جمله می‌توان جهانی شدن مخاطره آمیز؛ شمار فزاینده

¹-Existential Security

²-Risk

رخدادهای احتمالی و نفوذ دانش انسانی در محیط مادی را نام برد. دیگری آن‌هایی که مانند آگاهی از مخاطره به عنوان صرف مخاطره، آگاهی توزیع شده درباره مخاطره و تجربه مخاطره یا ادراک مخاطرات را تغییر می‌دهند. گیدنز در رابطه با احساس امنیت و یا مخاطره در جهان مدرن؛ با استفاده از مفهوم «ساختاربندی»^۱، نوعی رابطه دو وجهی بین ساختار و عامل می‌بیند، یعنی عناصر خرد و کلان در یک پروژه تکمیلی به سر می‌برند. ساختارها قواعد و منابعی هستند که کنشگران اجتماعی در بستر تعاملی به کار می‌برند و این بستر در مکان و زمان گسترده شده است (Giddens, 1999). به بیان دیگر، در همان حال که کنشگران عمل می‌کنند، از وضعیت و منابع موجود؛ که می‌تواند انواع گوناگون سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و ... نیز باشد؛ استفاده کرده و وضعیت بعدی را می‌سازند. قواعد فرآیندهای تعمیم یافته‌ای هستند که کنشگران آن‌ها را در شرایط گوناگون درک می‌کنند و بکار می‌برند. قواعد هنجاری با ایجاد حقوق و وظایف در یک زمینه یا مکان به ابزار مشروعیت تبدیل می‌شوند، مانند: حجاب، اما قواعد تفسیری برای ایجاد معناداری یا نظام‌های نمادین معنادار استفاده می‌شوند مانند: آموزه‌های دینی. زیرا آن‌ها به مردم راه‌های رسیدن و تفسیر وقایع را ارائه می‌دهند.

دومین جزء ساختار در تئوری ساختاربندی^۲، منابع هستند که می‌توانند هم منابع مادی مانند: وسایل ارتباط جمعی و هم منابع اقتداری مانند: سرمایه فرهنگی باشند (Giddens, 1999). افراد در جریان کنش‌های خود با توسل به قواعد (آموزه‌های دینی و نگرش به حجاب) و منابع (رسانه‌های جمعی و انواع گوناگون سرمایه‌های فرهنگی) به احساس امنیت یا عدم احساس امنیت دست می‌یابند. برای مثال فناوری‌های داده‌ها امروزه نقشی بزرگ و ویژه در زندگی انسان‌ها بر عهده دارند تا جایی که شاهد شکل‌گیری سبک زندگی مجازی و محوریت این رسانه‌ها در زندگی بسیاری از افراد گوناگون هستیم. این رسانه‌ها شامل فناوری‌های رایانه‌ای، نظام پایگاه داده‌ها^۳، داده‌های کاربردی متفاوت، ارتباطات و دیگر نظام‌های جمع‌آوری داده‌ها، ساخت و کاربرد آن‌ها می‌باشند (Giddens, 1999). که باعث جدایی زمان و مکان (ازجاکندگی) و شکل‌گیری تجارب با واسطه در افراد شده‌اند. در نتیجه این امر، تعاملات رو در رو در سبک‌های زندگی گوناگون افراد به کم‌ترین حد رسیده است و شرایطی پیش آمده است که در آن مردم درک محدود و تسلط اندکی بر شرایط و فرایندهای مؤثر بر زندگی خود دارند (Dikenz, 1998). از این رو در سبک‌های زندگی مدرن مبتنی بر وسایل ارتباطی نوین، ترس و بی‌اعتمادی، شک، اضطراب و استرس و عدم احساس

¹-Structuration

²-Structuration Theory

³-Database.

امنیت اجتماعی در تعاملات اجتماعی بسیار رو به فزونی است. این احساس اضطراب و تنش دایم ناشی از حوزه‌ی فرهنگ خطرپذیر عصر جدید است که به‌طور کلی همراه با بی‌قراری است. این احساس اضطراب ممکن است به ویژه در جریان رویدادهایی که کیفیتی سرنوشت‌ساز دارند آشکار گردد (Giddens, 1989). گیدنز با تأکید بر خطرپذیری فزاینده زندگی اجتماعی در دنیای مدرن، بر این باور است که اضطراب (به عنوان یکی از علائم مرضی سلامت روان) همبسته طبیعی هر نوع خطر است (Bayat, 2009).

دنیای مدرن که مبتنی بر باورهای سکولار و مادی‌گرایی می‌باشد، موجب ایجاد سبک‌هایی نوین از زندگی شده است که در آن توجه به معنویات و باورهای دینی کاهش می‌یابد. در زندگی دنیای قدیم و سنتی، بخت، سرنوشت و تقدیر آینده رقم زده شده را برای افراد ترسیم کرده بود. بر این اساس، در گذشته مردم به واسطه پایبندی به باورهای دینی و از سوی دیگر، به واسطه باور به وجود کسی که اعمال و رفتارهای انسان را می‌بیند و در مواقع رنج و مشکلات به یاریش می‌شتابد، یعنی داشتن یک تکیه‌گاه برای رفع مشکلات و سردرگمی‌ها، احساس امنیت بالایی داشته و نگرانی در آن‌ها کم‌تر وجود داشت. ولی در سبک‌های جدید زندگی شاهد کنار گذاشتن نگرش تقدیر گرایانه و انقباض روز افزون مذهب و باورهای دینی هستیم که منجر به بی‌اعتمادی و احساس ترس دایمی می‌گردد.

فرضیه های پژوهش

با توجه به اهداف و چهارچوب نظری فرضیه های زیر مطرح می‌شوند:

- ۱- بین دینداری اعتقادی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین دینداری مناسکی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین دینداری پیامدی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین دینداری تجربی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۵- بین نگرش به حجاب و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۶- بین عزت نفس و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۷- بین وسایل ارتباط جمعی (نوین و سنتی) و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۸- بین سرمایه فرهنگی و ابعاد گوناگون آن با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش پژوهش

رویکرد و روش مورد استفاده در این پژوهش به ترتیب کمی و پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان شهر شیراز بوده‌اند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد آن‌ها ۶۰۰۹۷۸ بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول لین (Line, 1976)، با سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای ۴ درصد، برابر با ۶۰۰ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری، طبقه بندی سهمیه‌ای تصادفی بوده است. بدین ترتیب که ابتدا جمعیت مناطق نه‌گانه شهر شیراز به تفکیک استخراج، سپس متناسب با جمعیت هر منطقه و نسبت آن با جمعیت کل، تعداد پرسش‌نامه مورد نظر برای هر منطقه مشخص شد. در هر منطقه نیز به صورت تصادفی تعدادی خیابان (به تناسب تعداد پرسش‌نامه آن منطقه) و در درون هر خیابان تعدادی کوچه تعیین شد. در نهایت، در هر کوچه نیز تعدادی خانوار مشخص گردیده که در هر خانوار، فقط یک زن یا دختر جهت پاسخ‌گویی تعیین گردید. با توجه به مطالعات پیشین از جمله پژوهش عنایت و همکاران (Enayat & et al, 2012) و نظریه گلاک و استارک (Glock & stark, 1965) پرسش‌نامه تدوین گردید. به منظور ارزیابی اعتبار گویه‌ها از دو روش اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. برای مشخص کردن اعتبار سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد که نتایج آن مربوط به متغیرهای: وسایل ارتباط جمعی و سرمایه فرهنگی در جداول شماره: ۳ و ۴ بیان شده است. همچنین، برای اندازه‌گیری اعتبار صوری، پرسشنامه پژوهش به ۷ نفر از اساتید و صاحب‌نظران داده شد و بر مبنای نظرات آن‌ها پرسشنامه اصلاح شد. سپس پرسشنامه کلی اصلاح شده در بین ۵۰ نفر از پاسخگویان به صورت پایلوت مورد آزمون قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده از این آزمون برابر با ۰/۸۵ بود. روایی پرسشنامه نهایی مربوط به متغیر وابسته و ابعاد آن در جدول ۱، ارایه شده است.

متغیرهای مستقل این پژوهش: دینداری در چهار بعد، اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی، سرمایه فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی، عزت نفس و نگرش به حجاب و متغیر وابسته نیز احساس امنیت اجتماعی است که در چهار بعد اقتصادی، عمومی، سیاسی و قضایی بر اساس طیف لیکرت سنجیده شده است.

احساس امنیت اجتماعی: از نظر لغوی به معنای ایمن شدن، در امان بودن و نبودن بیم و هراس (Moin, 1984) و یا به معنای آرامش و آسودگی آمده است (Amid, 2000). در واقع، احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود، که در این پژوهش با ۳۸ گویه و ضریب آلفای ۰/۷۱ سنجیده شد.

احساس امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی به این معنی است که نظام اقتصادی توانایی حفاظت از مردم در برابر انواع فشارهایی که خارج از کنترل آنهاست را داشته باشد (Ketabi et al, 2007). گفتنی است که امنیت اقتصادی دارای دو جنبه: (۱) امنیت سرمایه‌گذاری (۲) امنیت اشتغال و درآمد می‌باشد (Jahanian, 2002).

احساس امنیت عمومی: منظور از امنیت عمومی، مصونیت نسبی شهروندان از تعرض مجرمین است (Ketabi et al, 2007). بیش‌تر پژوهشگران در بررسی میزان احساس امنیت عمومی از شاخص آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه استفاده می‌کنند (Omidvar & Jafariani, 2007).

احساس امنیت سیاسی: امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش لازم به وسیله حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات گوناگون خارجی و هم‌چنین، حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها می‌باشد.

احساس امنیت قضایی: امنیت قضایی را عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی در جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد تعریف می‌کنند (Alinaghi, 1999).

دینداری: به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است (Serajzadeh et al, 2004). تعریف دین و تعریف عملیاتی دینداری از جمله موضوع‌های بحث برانگیز بویژه در میان جامعه‌شناسان بوده است، تا جایی که برخی از صاحب‌نظران تلاش برای تعریف و مفهوم‌سازی دین را بی‌ثمر و غیر ضروری دانسته‌اند (Tompson, & Kent, 2008). در این پژوهش برای سنجش میزان دینداری پاسخگویان از مدل چند بعدی گلاک و استارک استفاده شده است که بیش‌ترین استفاده را در پژوهش‌ها دارد. گلاک و استارک (Glock & stark, 1965) بر این باورند که در همه ادیان با وجود تفاوت‌هایی که در جزییات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه شامل ابعاد چهارگانه دینداری است که عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی دینداری که در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود. این ابعاد با گویه‌های باور به وجود خدا، وجود شیطان، قیامت و ظهور «مهدی موعود»، عشق به خدا، احساس احترام به امامان، ترس از قیامت، نماز خواندن، حضور در مسجد، شرکت در مراسم‌های مذهبی، لزوم رعایت حجاب، حرمت رباخوای، رابطه با جنس مخالف و رعایت امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی شده‌اند و روی هم رفته با ۲۷ گویه و ضریب آلفای کرونباخ ۸۶/۶ در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

نگرش به حجاب: در هر زبانی واژه‌های مخصوصی برای حجاب و مشتقات آن استعمال می‌شود، برای نمونه «حجاب» در زبان فارسی به معنای در پرده کردن (حجب)، روگیری، حیا، پرده، پوشاک و هر آنچه خود را بدان پوشند - روپوش، روبند، نقاب، چادر و ... که برای دفع چشم زخم بر خود آویزند آمده است. نگرش به حجاب در این پژوهش با استفاده از ۸ گویه مانند: اعتقاد به آزادی حجاب، تأثیر حجاب بر میزان فعالیت و اشتغال زنان، ارزش بودن حجاب در دین اسلام، موقعیت اجتماعی زنان محجبه، اجباری بودن حجاب، حدود و مکان رعایت حجاب، ... در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

عزت نفس: عزت نفس یک هیجان مرتبط با ارزش شخصی است که از مجموعه افکار، احساسات و تجاربمان در طول زندگی ناشی می‌شود. روزنبرگ (Rosenberg, 1979 & 1995) بر این باور است عزت نفس کلی فرد عبارت از ارزشیابی کلی شخصی از ارزشمندی‌اش در آنچه انجام می‌دهد. این متغیر در قالب طیف لیکرت و با استفاده از ۱۰ گویه مانند: احساس فرد نسبت به خود، رضایت از خود، سودمند بودن خود، اعتماد به توانایی شخصی، احترام به خود و ... عملیاتی شده است.

رسانه‌های ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی به تمام اشکال ارتباط نوشتاری از قبیل: روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و همه‌ی گونه‌های ارتباطات پخشی از قبیل: رادیو، تلویزیون و سینما و ... که برای عموم مردم هستند، اشاره می‌کند (Moore, 2003).

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی شامل: دانش، توانایی‌ها و اندوخته‌های فرد از کالاهای فرهنگی‌ای است که همگی با هم، وضعیت فرد را در یک حوزه و زمینه می‌سازند که در این پژوهش با استفاده از گویه‌هایی مانند مسافرت داخل و خارج از کشور، بازدید از اماکن مذهبی و تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و ... عملیاتی شده است. این متغیر با ۱۸ گویه و ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۲ سنجیده می‌شود.

نتایج پژوهش

از کل پاسخگویان ۳۶ درصد مجرد، ۵۸/۵ درصد متأهل و ۵/۵ درصد بیوه بودند. میانگین سنی آن‌ها در کل نمونه ۲۹ سال بوده است. قومیت فارس با ۸۱/۲ درصد بیش‌ترین درصد پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. ۶۳/۲ درصد پاسخگویان خانه‌دار، ۱۵/۸ درصد کارمند، ۹ درصد دانشجو، ۲/۵ درصد دارای مشاغل عالی و ۹/۵ درصد در مشاغل خدماتی شاغل بوده‌اند. پاسخگویان به طور میانگین تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم داشتند.

برای آزمون فرضی از آماره‌های متفاوتی استفاده شده است. یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهند

که ضریب روایی بعد اقتصادی با ۱۰ گویه ۷۹/۶، بعد عمومی با ۱۰ گویه ۷۹/۸ درصد، بعد سیاسی با ۹ گویه ۷۹٪ و بعد قضایی با ۹ گویه ۷۷٪ و در نهایت، مجموع احساس امنیت اجتماعی با تعداد ۳۸ گویه ۷۱٪ درصد می‌باشد.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد احساس امنیت در ابعاد گوناگون در بین زنان شهر شیراز

ابعاد احساس امنیت	ضریب آلفای کرونباخ	پایین	متوسط	بالا	جمع
اقتصادی	۷۹/۶	۱۷/۵	۶۶/۵	٪۱۶	٪۱۰۰
عمومی	۷۹/۸	۱۶/۲	۶۷/۷	٪۱۶	٪۱۰۰
سیاسی	٪۷۹	۱۲/۳	٪۷۲	۱۵/۷	٪۱۰۰
قضایی	٪۷۷	٪۱۸	۶۵/۷	۱۶/۳	٪۱۰۰
احساس امنیت اجتماعی	٪۷۱	٪۱۶	۶۸/۸	۱۵/۲	٪۱۰۰

نتایج جدول ۲ با استفاده از تحلیل همبستگی، فرضیه های ۱ تا ۸ را به آزمون گذاشته است. با توجه به نتایج آزمون بین کلیه متغیرهای: حجاب، عزت نفس، دینداری مناسکی، اعتقادی، پیامدی و سرمایه فرهنگی آموزشی، گردشگری و اجتماعی با متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. به بیان دیگر، هر چقدر زنان از نظر دینداری در سطح بالاتری قرار دارند و سرمایه فرهنگی و عزت نفس بیشتری دارند بیش تر احساس امنیت اجتماعی می‌کنند. در مقابل هر چه زنان از وسایل ارتباط جمعی نوین مانند: ماهواره، اینترنت و رادیوهای خارجی بیش تر استفاده می‌کنند از احساس امنیت اجتماعی آنان کاسته می‌شود. در بین متغیرهای موجود در جدول، دو متغیر وسایل ارتباط جمعی سنتی و سرمایه فرهنگی هنری و دینداری تجربی فاقد ارتباط معنادار با احساس امنیت اجتماعی زنان بودند. در این جا گفتنی است که متغیر حجاب و متغیر دینداری پیامدی، به ترتیب بیش ترین میزان همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی زنان دارند.

جدول ۲- آزمون رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیرهای مستقل	احساس امنیت اجتماعی
عزت نفس	۰/۱۳۹**
حجاب	۰/۲۲۳**
دینداری پیامدی	۰/۱۹۹**
دینداری مناسکی	۰/۱۱۱**
دینداری تجربی	۰/۰۰۴
دینداری اعتقادی	۰/۱۳۲**
وسایل ارتباط جمعی سنتی	۰/۰۰۱
وسایل ارتباط جمعی نوین	-۰/۱۸۷**
سرمایه فرهنگی گردشگری	۰/۱۷۹**
سرمایه فرهنگی هنری	۰/۰۱۳
سرمایه فرهنگی آموزشی	۰/۱۲۷**
سرمایه فرهنگی اجتماعی	۰/۱۰۱*

$P < 0/05$ * $P < 0/01$, **

نتایج جدول ۳ با استفاده از روش تحلیل عامل نشان می‌دهد که برای متغیر وسایل ارتباط جمعی دو عامل مشخص شد. نخستین عامل بعد وسایل ارتباط جمعی نوین با سه گویه و دومین عامل بعد، وسایل ارتباط جمعی سنتی نیز با سه گویه می‌باشد. با توجه به آماره $K.M.O = 0/623$ در تمام ابعاد، می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در واقع با سطح معناداری بالا ($sig = 0/000$) و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد است؛ تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر برای متغیر وابسته را دارند.

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی وسایل ارتباط جمعی در بین زنان شهر شیراز

ابعاد رسانه‌ها	عامل‌های رسانه‌های ارتباط جمعی		اجزای وسایل ارتباط جمعی
	عامل نخست	عامل دوم	
وسایل ارتباط جمعی نوین	۰/۷۷۶		رادیوهای خارجی
	۰/۷۷۲		ماهواره
	۰/۶۵۴		اینترنت
وسایل ارتباط جمعی سنتی	۰/۷۴۰		فیلم و سی دی
	۰/۶۳۹		تلویزیون داخلی
	۰/۶۰۱		روزنامه‌ها و مجلات داخلی

هم‌چنین، با استفاده از روش تحلیل عاملی، چهار عامل برای سرمایه فرهنگی مشخص شد. نخستین عامل بعد «سرمایه فرهنگی هنری» با سه گویه و سایر عوامل شامل سرمایه فرهنگی آموزشی (با پنج گویه)، سرمایه فرهنگی اجتماعی (با چهار گویه) و سرمایه فرهنگی گردشگری (با دو گویه) می‌باشند. با توجه به آماره‌ی $K.M.O=0/818$ در تمام ابعاد، می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در واقع سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد ($sig = 0/000$) بوده و در نتیجه می‌توان گفت که تمامی عناصر به کار رفته برای هر بعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول ۴- نتایج تحلیل عاملی سرمایه فرهنگی در بین زنان شهر شیراز

اجزای سرمایه فرهنگی	عامل‌های سرمایه فرهنگی		ابعاد سرمایه فرهنگی		
	عامل نخست	عامل دوم		عامل سوم	عامل چهارم
سرمایه فرهنگی هنری	۰/۶۴۸	شرکت در نمایشگاه‌های هنری	سرمایه فرهنگی آموزشی	۰/۵۶۶	مطالعه در هفته
	۰/۶۴۰	شرکت در کلاس‌های هنری		۰/۵۶۴	استفاده از کتابخانه‌های عمومی
	۰/۴۰۲	خرید تابلوهای نقاشی		۰/۴۰۲	شرکت در کلاس‌های زبان خارجی
سرمایه اجتماعی فرهنگی	۰/۴۳۲	شرکت در کلاس‌های کامپیوتری	سرمایه فرهنگی اجتماعی	۰/۸۰	بازدید از دیدنی‌های طبیعی
	۰/۳۶۳	خرید فیلم و سریال‌های ویدئویی		۰/۷۷	بازدید از اماکن مذهبی
				۰/۷۲	شرکت در مهمانی‌های دوستانه
سرمایه گردشگری فرهنگی	۰/۷۸	مسافرت داخل کشور	سرمایه گردشگری فرهنگی	۰/۷۰	مسافرت خارج از کشور

در نهایت، بر اساس منطق روش چند متغیره، متغیرهای مستقلی که در تبیین واریانس سهم قابل توجهی داشتند برای متغیر وابسته، طی هفت مرحله وارد معادله شدند. همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد این هفت متغیر توانسته‌اند در مجموع ۱۷ درصد متغیر وابسته را تبیین نمایند. مقادیر بدست آمده برای بتا نیز بیانگر آن است که همه‌ی متغیرهای مستقل، در سطح معناداری ۹۹ درصد، رابطه‌ی مثبت و مستقیم با متغیر احساس امنیت اجتماعی دارند. با توجه به نتایج آرایه شده در جدول ۵ مشاهده می‌شود که حجاب تأثیرگذارترین متغیر بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بوده است. متغیر تأثیرگذار دوم و سوم به ترتیب، دینداری پیامدی و دینداری مناسکی می‌باشند. بنابراین، افرادی که دینداری بالایی (در این دو بعد) دارند بیش‌تر احساس آرامش و امنیت اجتماعی می‌کنند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این متغیر ۰/۰۶۸ بر قدرت تبیین‌کنندگی مدل افزوده است. در نهایت، آخرین متغیر وارد شده در معادله، وسایل ارتباط جمعی نوین می‌باشد

که ارتباط منفی و اثر کاهنده در احساس امنیت اجتماعی زنان دارد و با ورود آن به معادله قدرت تبیین مدل به ۱۷ درصد می‌رسد.

جدول ۵- تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته احساس امنیت

متغیر وارد شده	F	SigF	B	Beta	T	R	R ²	معناداری
حجاب	۰/۲۲۳	۰/۰۵۰	۳۱/۲۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸	۰/۲۲	۰/۸۲	۰/۰۰۰
دینداری	۰/۳۰۵	۰/۰۹۳	۳۰/۷۲۱	۰/۰۰۰	۰/۸۷	۰/۳۲	۵/۸۵	۰/۰۰۰
پیامدی دینداری	۰/۳۴۶	۰/۱۲۰	۲۷/۰۹۷	۰/۰۰۰	۰/۳۹	۰/۲۰	۳/۷۸	۰/۰۰۰
مناسکی سرمایه فرهنگی	۰/۳۷۷	۰/۱۴۲	۲۴/۶۸	۰/۰۰۰	۰/۹۳	۰/۱۱۶	۲/۹۶۷	۰/۰۰۳
گردشگری	۰/۳۹۲	۰/۱۵۴	۲۱/۶۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۱۰۷	۲/۷۷۰	۰/۰۰۶
عزت نفس	۰/۴۱۳	۰/۱۷۰	۱۷/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۰/۱۰۳	۲/۴۸۲	۰/۰۱۳
اعتقادی								
وسایل ارتباط جمعی				۰/۰۰۰				
نوین								

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر شیراز انجام گرفت. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین دینداری، سرمایه‌های فرهنگی، نگرش به حجاب، عزت نفس و وسایل ارتباط جمعی با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج بدست آمده از فرضیه‌های یک تا چهار که رابطه بین دینداری و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی زنان می‌باشد بدین قرار است:

نهاد دین در ایجاد و توسعه احساس امنیت اجتماعی نقش محوری دارد، به گونه‌ای که ابعاد

اعتقادی، مناسکی و پیامدی دینداری با احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معنا داری دارند. این رابطه مثبت بوده و نشان می‌دهد که هرچه دینداری افراد (در این سه بعد) قوی‌تر باشد، میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها بیش‌تر است)، اما بعد تجربی دینداری فاقد ارتباط معنا دار با احساس امنیت اجتماعی در بین زنان بوده است. این یافته با یافته‌های پژوهش پور احمد (Pourahmad etal, 2012) و مختاری (Mokhtari etal, 2012)، همسو بوده است. گیدنز (Giddens, 1998) نیز بر این باور است که در جامعه سنتی افراد همه چیز را وابسته به تقدیر و سرنوشت، قضا و قدر می‌دانستند تا جایی که در برابر قضا و قدر تسلیم بودند و در مورد آنچه برایشان اتفاق می‌افتاد اعتراضی نداشتند، چون برای هر اتفاق و آینده به دنبال استدلال ماورایی بودند. بر همین اساس آن‌ها با تکیه بر این قواعد تفسیری و اعتمادی که به قضا و قدر و سرنوشت داشتند زندگی می‌کردند. در نتیجه نگرانی و احساس ناامنی و دغدغه کم‌تری را تجربه می‌کردند، اما در جامعه مدرن افراد دیگر به قضا و قدر و آنچه خدایان برای آن‌ها رقم می‌زند، باور چندانی ندارند و معتقدند خودشان هستند که مسیر زندگی‌شان را تعیین می‌کنند و برای اتفاقات و آینده به دنبال استدلالات منطقی و علمی هستند. بر همین اساس احساس نگرانی و ناامنی بیشتری را نیز تجربه می‌کنند. یعنی اعتقاد به دین، خدایان و قضا و قدر باعث افزایش احساس امنیت و گرایش به منطق و استدلال برای هر اتفاق، کاهش احساس امنیت را در بین افراد دنبال دارد. تهدیداتی که امنیت وجودی انسان را به خطر می‌اندازد به واسطه خصلت مدرنیته و نهادهای آن، به سمت دنیوی شدن پیش رفته‌اند. نیروهایی الهی و ماوراءطبیعی قدرت نفوذ خود را از دست داده‌اند و این عقلانیت عملی است که ویژگی تهدیدات و شیوه برخورد با آن‌ها را مشخص خواهد کرد، اما از سوی دیگر، زیستن در حوزه فرهنگ خطرپذیر عصر جدید به طور کلی توأم با بی‌قراری است و احساس اضطرابی همیشگی بویژه ممکن است در جریان رویدادهایی که کیفیتی سرنوشت ساز دارند آشکار گردد (Giddens, 1998, P:234).

نتایج فرضیه پنجم نشان می‌دهد که متغیر نگرش به حجاب بیشترین میزان همبستگی (۲۲/۳) را با احساس امنیت اجتماعی زنان داشته است. هم‌چنین، نتایج تحلیل متغیره گام به گام نیز نشان داد که حجاب تأثیر گذارترین متغیر بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بوده است. نتایج با پژوهش‌های فاضلیان (Fazelian, 2010)، سلطانی و علی مرادیان (Soltani & Alimoradian, 2010) همسو بوده است.

نتایج فرضیه ۶ نیز نشان داد که عزت نفس ارتباط معنا داری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد. این رابطه مثبت بوده است، یعنی هرچه زنان از عزت نفس بیش‌تری برخوردار باشند در جامعه احساس امنیت بیش‌تری خواهند داشت. بنابراین، در ایجاد احساس امنیت در جامعه نباید

صرفاً بر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و تکیه کرد و با ایجاد خود باوری و نگرش مثبت نسبت به خود، هر فرد می‌تواند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد. نتایج فرضیه ۷ نشان داد که وسایل ارتباطی جمعی به دو دسته وسایل ارتباط جمعی سنتی (رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجلات) و وسایل ارتباط جمعی نوین (ماهواره، اینترنت و فیلم و سی‌دی) تقسیم شده است، نشان داده شد که وسایل ارتباط جمعی سنتی رابطه مثبت و معناداری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارد. این بدین معنی است که هرچه زنان از وسایل ارتباط جمعی سنتی بیش‌تر استفاده کنند، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها بیش‌تر می‌شود. این در حالی است که وسایل ارتباط جمعی مدرن ارتباط منفی معنادار با احساس امنیت اجتماعی زنان داشته است، یعنی روی هم رفته، استفاده از وسایل ارتباط جمعی سنتی باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی مدرن اثر کاهش دهنده احساس امنیت اجتماعی در زنان داشته است. این امر با توجه به چارچوب نظری مستخرج از آراء گیدنز نشان دهنده آن است که منبع وسایل ارتباط جمعی نوین عامل ایجاد ترس و ناامنی اجتماعی در زنان است. شاید در این خصوص بتوان گفت که از آنجایی که رسانه‌های نوین چون: ماهواره و اینترنت تعاملات رو در رو را به کم‌ترین حد رسانده‌اند و باعث شکل‌گیری تجارب با واسطه در افراد شده‌اند، در نتیجه افراد کنترل کم‌تری بر این روابط داشته‌اند و میزان اضطراب و ناامنی اجتماعی بیش‌تری دارند. نتایج با یافته‌های پژوهش احمدی (Ahmadi et al, 2010) و ربانی (Rabani et al, 2010) همسو بوده است.

در مورد فرضیه آخر نیز سرمایه‌های فرهنگی به سه دسته سرمایه فرهنگی - هنری، فرهنگی - آموزشی و فرهنگی - گردشگری تقسیم شده است، که بر اساس نتایج آزمون همبستگی سرمایه‌های فرهنگی اجتماعی، فرهنگی آموزشی و فرهنگی گردشگری تأثیر مثبت و هم‌افزا بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. به نظر می‌رسد این سه بعد از سرمایه‌ها به عنوان منابعی هستند که در تعاملات اجتماعی به فرد احساس امنیت اجتماعی می‌دهند. برای مثال، هر چه زنان سرمایه گردشگری (میزان مسافرت‌های خارجی و داخلی) بیش‌تری داشته باشند به دلیل کسب تجربه و آشنایی بیش‌تر و تسلط بر موقعیت‌ها و محیط‌های گوناگون، احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری دارند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به این‌که مسئله احساس امنیت یکی از دغدغه‌های مشترک زنان می‌باشد که با عوامل فرهنگی و اجتماعی در جامعه پیوند خورده است، می‌توان با بالا بردن عزت نفس و افزایش میزان دینداری در زنان و استفاده بیش‌تر آن‌ها از رسانه‌های سنتی مانند تلویزیون و رادیو و سرمایه‌های فرهنگی و ابعاد آن، احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری را برای آن‌ها به ارمغان آورد. نتایج با پژوهش‌های پور احمد و همکاران (Pourahmad et al, 2012) و مختاری و

همکاران (Mokhtari et al, 2012) همسو می‌باشد.

در نهایت، ضروری به نظر می‌رسد که هر جامعه‌ای افزون بر تلاش برای ایجاد امنیت در ابعاد گوناگون، تلاش ویژه‌ای برای ایجاد، توسعه و تثبیت احساس امنیت اجتماعی را آغاز کنند. در این میان لازم است توجهی ویژه بر احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه صورت گیرد زیرا عدم احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه بر کیفیت ایفای نقش‌های همسری و مادری آنان تأثیرگذار خواهد بود.

References

- 1- The Holy Quran.
- 2-Abazarie Y., Sadeghie Fasaiee S. and Hamidi F.(2008). “ Investigation of Women’s Feeling of Social Security in Everyday Life”, Women Research, Vol. 2, No. 1, PP: 75-103. [In Persian].
- 3-Alinaghi, A. (1999), “Iran’s Culture and Social Cohesion: Past, Present and Future”, Strategic Studies, No. 3, PP: 63-70. [In Persian].
- 4-Alison, M. (2004), “ Women as agents of political violence : gendering security”, security dialogue, vol. 35, No. 4, pp:447-463.
- 5-Ahmadi, Y. and Esmaeli, A. (2010), “The Measure of Women's Societal Security Emotion and Multidimensional Factors Affecting it in Mashhad City”, Journal of Applied Sociology, Issue 21, No 38(2). [In Persian].
- 6-Amid, H. (2000) Persian Culture, Tehran: Amirkabir Publication, 19th Edition. [In Persian].
- 7-Bayat, B. (2009) Sociology of Security Feeling, Tehran: Amirkabir Publication. [In Persian].
- 8-Bostan, H. (2003) Sexual Inequality and Oppression from the Viewpoint of Islam and Feminism, Tehran: Research institute of Hawzah & University. [In Persian].
- 9-Burrowes, R.J. (1996). “The strategy of non violent defense a Gandhi an approach”, USA.university of Newyork press. pp: 107-125.
- 10-Delavar, A and Jahantab, M. (2011). “Effect of Social Capital on Feeling of Security”, Quarterly Journal of Social Security Studies, Autumn, No. 27, PP: 73-95. [In Persian].
- 11-Dikenz, P. (1998), Urban Sociology, Translation by H. Behravan, Mashhad: Astan Quds Razavi Publication. [In Persian].
- 12-Enayat, H., Movahed, M and Heidari, A. (2011), “Study of the Relationship between Social Trust and Feeling of Social Security among

- Youths in Shiraz and Yasuj cities”, Practical Sociology, 23rd year, No. 45, PP: 81-104. [In Persian].
- 13- Fazelian, P. (2010), “Investigation of The Relationship between The kond of Hijab and Degree of Social Security among Women in Tehran”, Women Research, Institute of Humanities and Cultural Studies, First year, No. 2, PP: 65-86. [In Persian].
- 14- Giddens, A.(2004), *Modernity & Dignity: Society and Personal Identity in The New Era*, Translation by N. Movafaghian, Tehran, Ney Publication. [In Persian].
- 15- Giddens, A. (1999). "Risk and Responsibility "The modern low review, vol.62 .No.1. pp: 1-5.
- 16- Giddens, A. (1998), *The Consequences of Modernity*, Translated by M. Salasi, Markaz Publication, Tehran. [In Persian].
- 17- Glock, Charles Y. and Rodney Stark. (1965), *Religion and society in Tension*, Chicago: Rand McNally.
- 18- Hobbes, Tomas. (2005), *Leviathan*, Translated by Hossein Bashiriye, Tehran: Nie publication. . [In Persian].
- 19- Jahanian, N. (2002), *Economic Security*, Tehran, Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought. [In Persian].
- 20- Karakus,O,F. , MCGarrell, E and Basibuyuk,O (2010). "Fear of crime among citizens of Turkey", *Journal of criminal justice*,38 retrieved from: www.science direct.com.
- 21- Ketabi, M, Mirzaie, J and Shahrokhi, E. (2007), “Investigation of The Effect of Mass Media on Feeling of Social Security in Isfahan city”, *Quarterly journal of Human Development*, Vol. 2, No. 2, Winter, PP: 31-55. [In Persian].
- 22- Khoshfar, G. (2002), “People’s Tendency towards Contribution in Social Security”, *Articles of social security on development guidelines*, Islamic Azad University, Babol branch. . [In Persian].
- 23- Kozer, L. (2004), “Life and Thoughts of Sociology Masters, Translated by Mohsen Salasi, Tehran, Elmi Publications, 11th Edition. *Strategies of Achieving Social Security*”, *Articles of Social Security Conference*, No. 1, Tehran, Police Social Assistance.
- 24- Lahsaiezadeh, Abdolali (2006), *Abadan Sociology*, Tehran, Kianmehr Publication. [In Persian].
- 25- Locke, John. (1991), *A Letter Concerning Toleration* Routledge, New York.

- 26- Lin, C.S and Y.F. Chen (2012). "The influences of online cultural capital on social tagging behavior", *Journal of library and information studies*, 10:2, pp:21-37.
- 27- Mikhail, A. (2011). "Societal security. The security dilemma and extreme anti _ migrant hostility in RUSSIA", *journal of peace research*, no. 48, PP: 509-523.
- 28- Mirzaei, M., Abdollahi, Z and kamarbeigi, kh. (2011), Investigation of The Relationship between Social Factors and Household women's Social Security in Ilam, *Quarterly journal of Social Security Studies*, winter, No. 28, PP: 79-108. [In Persian].
- 29- Mokhtari, M, Balaie, E, Mirfardi, A and Hosseini Akhgar, M. (2012), "Investigation of Social and Cultural Factors Influenced on Feeling of Social Security in Yasuj", *Strategic Researches of Security and Social Order*, First year, No. 2, PP: 21-40. [In Persian].
- 30- Moin, M. (1984), *Persian Culture*, Tehran, Amirkabir Publication, 8th Edition. [In Persian].
- 31- Moller, B. (2000). "National, societal and Human security". Discussion- case study Israel- Palestine conflict.
- 32- Moore, S. (2003), "Investigation of Mass Media Sociology", Translated by A. yaghoobi, *Marefat Magazine*, No. 72, PP: 63-69. [In Persian].
- 33- Nabavi. A., Hosseinzadeh, AH and Hajar Hosseini, S. (2010), "Investigation of Social and Economic Factors Influencing Feeling of Social Security", *Practical Sociology*, twenty first year, No.4, PP: 73-96. [In Persian].
- 34- Navidnia, M. (2006), "Investigation of Social Security", *Quarterly journal of Rahbordj*, 6th year, No. 19, PP: 55-76. [In Persian].
- 35- Navidnia, M. (2009), "Police Perspective, Security and Social Capital", *Quarterly journal of Strategic Studies*, 19th year, No. 2, No. 46, PP: 29-46. [In Persian].
- 36- Nazari, E. (2010), "Strategies of People Contribution to Providing More Social Security", *Dadresi Quarterly*, No. 79, 14th year, PP: 38-44. [In Persian].
- 37- Noroozi, F and Fooladisephehr, S. (2009), "Investigation of 15-29 years old women's Feeling of Social Security in Tehran and Social Factors Influencing Them", *Quarterly Journal of Rahbordj*, 18th year, No. 53, PP: 129-159. [In Persian].

- 38- Niyazi, M., Farshadfar, y. (2011), "Investigation of The Relationship between Social Trust and Feeling of Social security among Women Living in Northern (1,2) and southern (19,20) areas of Tehran, Scientific-Technical", Quarterly journal of Urban Studies, First year, No. 1, PP: 147-178. [In Persian].
- 39- Omidvar, A. and Jafariyani, E. (2007), "The effect of welfare policies on social and national security", Quarterly journal of Social Security studies, No. 2,3, PP: 59-94. [In Persian].
- 40- Olsen, B. & Hovden, J. (2007). "Social Safety: Concept, Borders and Dilemmas", Journal of Contingencies and Crisis Management, Volume 15.
- 41- Pantazis, C. (2000) . "Fear of Crime Vulnerability and Poverty British" Journal of Criminology, volume40, Issue3, pp: 414-436.
- 42- Pourahmad, A., Eivazloo, M and Mahboobeh H. (2012), Investigation of the Relationship between Religiosity and Feeling of Security in Urban and Rural areas", Strategic Studies of Social Security and Order, First year, No. 1, PP: 1-20. [In Persian].
- 43- Rabani, R and Abaszade, M. (2010). "The relationship between mass, media and women's insecurity", Quarterly Journal of communication Research, Vol. 17, No. 4(64).
- 44- Ritzer, G. (2004), Contemporary Theories of Sociology, Translation by M. Salasie, Tehran, Elmi Publication, Eighth Edition. [In Persian].
- 45- Rosenberg, M. (1995). "Global Self-Esteem and Specific Self – Esteem", American Sociological Review, 60: 56-141.
- 46- Rosenberg, M., Grami, S. and Carrie, S. (1989). Self-Esteem and Adolescent Problems: Modeling Review, 54:18-1004.
- 47- Roy, N (208). Balancing the Tripod: Security, Immigration and the Economy in the Post-9/11 United States.
- 48- Sarlakzaie, Sh. (2006), " Liberty & Security from the viewpoint of Imam Khomeini(RA) ", Journal of Political Sciences, 9th year, No. 34. [In Persian].
- 49- Sarookhani, B. (2001), Investigation of The social sciences encyclopedia, Tehran: Keihan Publication, Vol. 2, Third Edition. [In Persian].
- 50- Serajzadeh, SH., Shariatie , S and Seberi, S. (2004), "Investigation of the Relationship between Religiosity & Social Tolerance", Magazine of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature & Humanities, PP: 109-042. [In Persian].

- 51- Shadnia, H. (2003), "Goods Smuggling & Social Security", Articles of Social Security Conference, Vol. 2, Police Social Assistance IRI, Tehran. [In Persian].
- 52- Soltani, A and Alimoradian, M. (2010), "Effect of Hijab on Mental Health and Social Security", Ilam Culture, No. 27, 28, PP: 130-146. [In Persian].
- 53- Tanhaie, A. (1995), Investigation of Sociology Schools and Theories, Gonabad: Marandiz Publication. [In Persian].
- 54- Tompson, J and Kent,A. (2008), Religion and social structures, Articles in sociology of religion, Translation by A. Bahrapour & H. Mohaddesi, Tehran: Kavir Publications. [In Persian].
- 55-Torabi, Y and Goudarzi, A. (2003), Values and Social Security, articles of social security conference, No. 1, Vol. 1, Tehran, Islamic Republic of Iran, Police Social Assistance. [In Persian].
- 56- Tucker.Jr, Kenneth H. (1998) Anthony Giddens and Modern Social Theory, London, Sage Publication.
- 57- Wilkinson, C. (2007). "The Copenhagen school on tour in Kyrgyzstan: is Securitization theory useable outside Europe?" Security dialogue, no.38, pp: 5-25.
- 58- William, J. (1998), Sociology of Religions, Translated by M. Salasi, Tehran, Tebyan. [In Persian].